




قرآن کریم  
در آئینه کوثر

انس با قرآن کریم  
خاطرات قرآنی آزاده جانباز قدرت الله محرابی

مسابقه قرآن خوانی  
و قرآن پژوهی کوثر سی و سه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال هجری ۱۴۰۰





پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### ■ مقدمه:

### درک کرامات معنوی قرآن :

حافظ و قاری قرآن شدند و در این نهضت قرآن آموزی و انس با قرآن کریم ، عزیزان طلبه و روحانی که به صورت مخفیانه انجام و وظیفه می کردند نقش تبلیغی مهمی را ایفا نمودند ماههای اول اسارت به همین شکل گذشت تا از ماموران صلیب سرخ درخواست قرآن کردیم و آنها به هر خوابگاه یک جلد کلام الله مجید دادند که برای هر شصت و هفت نفر که مانوس با قرآن و مشتاق به تلاوت بودند کافی نبود لذا نوبت بندی کردیم و برای فرا رسیدن نوبتمان لحظه شماری می کردیم حتی اکثر شبها بچه ها نمی خوابیدند تا بیشتر با قرآن مانوس باشند و از کرامات معنوی قرآن لذت ببرند با اصرار بچه ها و پیگیری مسئولین اردوگاه یک جلد قرآن به پنج جلد افزایش یافت و از آن تاریخ بود که برگزاری کلاسهای آموزشی قرآن در تمامی سطوح مختلف کلید خورد و بچه ها با حرص و ولع خاصی در کلاسها شرکت می کردند و عراقی ها هم زیاد حساسیت به خرج نمی دادند چون معتقد بودند قرآن از خودشان است و می گفتند قرآن بین ما عربها نازل شده و از

انس با قرآن (تلاوت و حفظ قرآن) در دوران اسارت و در میان اسرا از جایگاهی خاص و از منزلتی ویژه برخوردار بود . اولین مسئله ای که حائز اهمیت بود موضوع یاد گیری قرآن و تلاوت صحیح آن بود ضرورت این یادگیری و تلاوت با توجه به تاثیرات قرآن دو چندان بود چرا که تلاوت قرآن به قلبها آرامش و به دلها صفا می بخشید و وقتی در فضای غمبار اسارت قرآن تلاوت می گردید احساس قوت ، روحانیت و معنویت خاصی برای بچه ها پدیدار می شد . در اوایل اسارت که قرآن در میان ما نبود احساس کمبود می کردیم تا اینکه کم کم آیات قرآن روی کاغذها نوشته می شد و به طور مخفی در اختیار بچه ها قرار می گرفت و بچه ها با برنامه ای دقیق به حفظ آیات می پرداختند و پس از حفظ آن را به دیگران می دادند و با همین روش فرهنگ انس با قرآن و تلاوت و حفظ آن در بین اسرا ترویج گردید و بسیاری از اسرا بدین شکل

اینکه پارسها و عجمها به آن روی خوش نشان می دادند فخر فروشی می کردند .

### ■ کلاسهای آموزش قرآن :

در اردوگاه موصل (۲) وقتی به صورت ده نفری که بیشتر از این رقم را مجاز نبودیم برای آموزش تلاوت قرآن جمع می شدیم ( ضابط خلیل) مامور عراقی که شیعه هم بود می آمد کنار جلسه می ایستاد و به قرائت های ما گوش می داد می خواست بداند که ما چگونه قرآن می خوانیم حتی یک روز خیلی عادی آمد و در جمع ما نشست می خواست از ما ایراد بگیرد اما آنقدر بچه ها ماهرانه با رعایت نکات تجویدی به قرائت قرآن پرداختند که تعجب، تمام وجودش را گرفته بود و این خود زمینه ای شد تا ما پا را فراتر گذاشته و از فرمانده اردوگاه خواستیم که در سه نوبت از بلند گویای اردوگاه قرآن پخش کنند

. چون مدعی بودند که قرآن از ماست و ما بهترین قاریان را داریم در برابر درخواست ما مقاومت نکرده و در دو نوبت ظهر و مغرب قرآن را به صورتی نامناسب پخش می کردند که موجب زدگی بچه ها از قرآن شود آنها این روش خصمانه را پیش گرفتند تا به نوعی رفع تکلیف از خود کرده و به نوعی موجب بیزاری بچه ها از قرآن و تلاوت قرآن گردند . ولی چون در هر آسایشگاه قاری و حافظ داشتیم بلافاصله در مواقع سه گانه تلاوت قرآن و اذان داشتیم حتی در تمامی مجالس و محافل که مخفیانه برگزار می شد به تلاوت قرآن می پرداختیم و روح و قلبمان را قوت و نشاط می بخشیدیم .

### ■ آثار کلاسهای قرآن :

نتیجه انس با قرآن و برگزاری کلاسهای

قرآن ، یادگیری قرائت و حفظ قرآن بود و با توجه به گرایش و رغبت خوب بچه ها بسیاری از شاگردان کلاسها به مرور استاد تمام عیار در زمینه تلاوت و حفظ قرآن کریم و مباحث تفسیری شدند موج گرایش به قرآن آنقدر قوی بود که حتی بیسوادان خیلی زود با سواد شدند و شروع کردند به یادگیری قرآن و حافظ قرآن شدند در اوج سختی ها و شکنجه های گروهی به قرآن و ائمه اطهار متوسل می شدیم و گروهی آیات قرآن را زمزمه می کردیم و تبدیل آه و ناله و ضجه به تلاوت آهنگین قرآن که از سر صدق و اخلاص و سوز و گداز بود واقعا آرامش خاص و مقاومتی ستودنی بر جمع ها حاکم می ساخت و دشمن را ذلیل و رسوا می ساخت .

### ■ برنامه ی ختم قرآن کریم :

از جمله برنامه های معنوی طرح تلاوت و ختم قرآن کریم به نیت سلامتی امام زمان (ع) بود اجزاء قرآن بین بچه ها هر شب تقسیم می شد و هر شب یک جزء قرآن می خواندیم و این برنامه تا سالهای متمادی معمول بود و هر آسایشگاهی در کنار برنامه ختم قرآن به مناسبت ایام الله برنامه های دیگری هم داشتند وقتی ماموران عراقی وارد می شدند چون می دیدند بچه ها سر جلسه قرآن و تلاوت آن نشستند اند چیزی نمی گفتند و مانع نمی شدند مدتی گذشت تا اینکه از ماموران صلیب سرخ قرآن با ترجمه فارسی درخواست کردیم و بالاخره آنها قرآن با ترجمه فارسی آوردند روزها صبح تا ظهر روی قصص قرآن کار می کردیم و موضوعات مختلف مطرح شده در قصص را مورد بحث و بررسی قرار می دادیم و این برنامه هم روز به روز موجب گسترش و نفوذ فرهنگ و معارف قرآنی در میان اسرا شد .

### ■ کلاسهای تخصصی قرآن :

رشد اطلاعات قرآنی بچه ها به قدری زیاد

# کونز

فصلنامه قرآنی

۳۳

■ تبعیت از روش  
رسول الله (ص) در  
آموزش قرآن کریم :

شیوه رسول الله  
(ص) در آموزش قرآن  
این بود که چند نفر

صاحب استعداد را آموزش می دادند و آنها هم  
موظف به آموزش سایرین می شدند . شیوه کار  
ما در اردوگاه به همین منوال بود ابتدا طلاب و  
روحانیون و سایر افراد مستعد با فراخوانی آموزم  
های قرآنی در ذهن خود آنها را با همدیگر  
مباحثه می کردند و آیات را بر روی کاغذ  
می نوشتند و به گونه ای کاتب آیات قرآن بودند  
و سپس کار آموزش را آغاز می نمودند و بدین  
شکل نهضت قرآن آموزی در بین اسرا توسعه  
و گسترش یافت و به برکت قرآن خیلی از  
گرفتاریهای اسرا برطرف گردید . یکی از نکاتی  
که تمام اساتید قرآنی در آموزشهای خود بر روی  
آن تاکید داشتند این بود که ملاک انس با قرآن  
صرفاً خواندن ، نوشتن و حفظ کردن آیات و  
معارف نیست بلکه عمل به آیات و معارف است  
و این تذکر قرآنی موجب شده بود که اسرای  
مانوس با قرآن اهلیت قرآنی داشتند و خلق و  
رفتار آنها هم قرآنی بود .

صبر ، شکیبائی و مقاومت در برابر مصائب  
و سختی ها ، توکل بر خدا ، روحیه توسل ، ورع  
و پرهیزکاری ، سکوت عاقلانه ، اصلاح گری  
و طهارت قلب گوشه ای از خلق و خوی قرآنی  
آزادگان بود .

شد که کلاسهای تخصصی قرآن در زمینه های  
تجوید ، صوت و لحن ، حفظ ، ترجمه و تفسیر  
و قصص قرآن کریم دائر شد . گرایش به قرآن  
و تلاوت آن و فراگیری علوم و معارف آن قدر  
زیاد شد که در عرض چند سال خیلی از بچه  
ها حافظ کل قرآن یا از قاریان مسلط شدند و  
یا مدرّس علوم و معارف قرآن گردیدند بعضی  
هم که طبع شعری داشتند موضوعات قرآنی را  
به لسان شعر بیان می نمودند . و بعضی با هم  
در مکالمات و گفتگوها آیات قرآن را رد و بدل  
می کردند و قرآنی صحبت می نمودند .

## ■ بی تو تنهائیم :

این سخن امام زین العابدین (ع) که فرموده  
اگر همه عالم مرا تنها بگذارند ولی من با قرآن  
باشم احساس وحشت و تنهایی نمی کنم در  
دوران اسارت برای ما روشن شد .

برگزاری برنامه ها و کلاسهای قرآنی در  
هر ماه با سخت گیریها و مشکلاتی روبرو  
بود ماموران عراقی به بهانه های مختلف به  
آسایشگاهها هجوم می آوردند و همه وسائل و  
امکانات ما را غارت می کردند در این غارتگریها  
قرآنها هم برده می شد . در این سخت گیریها  
و شدائد و غارت ها بچه ها با کمبود آب و غذا  
می ساختند اما با نبود قرآن زندگی ما کاملاً فلج  
می شد نمی گفتیم چرا غذا نمی دهید یا چرا غذا  
کم است یا چرا آب نیست بلکه درخواست ما بعد  
از هر غارتگری این بود که قرآن هائی را که از  
ما بردید به ما برگردانید و با پیگیری زیاد می  
توانستیم یک قرآن یا چند قرآن پس بگیریم و  
این حالت میزان انس و عشق بچه ها نسبت به  
قرآن کریم را می رساند . ما بدون قرآن احساس  
غربت ، وحشت و تنهایی می کردیم .



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی